

5163

۵۰۰

۲۴۴

هجری



قواعد فقهی و کاربردهای آن در مدیریت و سازمان

مؤلف

دکتر ابوطالب خدمتی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۷

khidmati, Abutalib

خدمتی، ابوطالب، ۱۳۵۰ -

قواعد فقهی و کاربردهای آن در مدیریت و سازمان / مؤلف ابوطالب خدمتی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

یازده، ۲۳۲ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۳۴: مدیریت: ۳۱)

ISBN: 978-600-298-203-2

بها: ۱۶۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۲۲۱] - ۲۲۴: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ - ۱۳۶۸، -- دیدگاه درباره فقه شیعه.

۲. مرتضی بن محمد امین، ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق. - دیدگاه درباره فقه شیعه. ۴. فقه -- قواعد. ۵. Formulae -- Islamic law. ۳. انصاری،

۶. مدیریت (فقه). ۷. * (Islamic law) Management. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۲۴

BP۱۶۹/۵/خ۴ فی ۱۳۹۷

۵۱۰۷۰۲۷

شماره کتابشناسی ملی



قواعد فقهی و کاربردهای آن در مدیریت و سازمان

مؤلف: دکتر ابوطالب خدمتی akhedmaty@rihu.ac.ir

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش و صفحه آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu فروش اینترنتی

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی در زمینه اخلاق و احکام کسب و کار برای دانشجویان رشته مدیریت به‌ویژه مدیریت بازرگانی در مقطع کارشناسی ارشد و احکام کسب و کار در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بازرگانی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر ابوطالب خدمتی و نیز از ارزیاب محترم اثر، آیت‌الله قربانعلی دری نجف‌آبادی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۱
بخش اول: فقه و قواعد فقهی		
فصل اول: علم فقه		
.....	۱. مفهوم‌شناسی	۹
.....	۲. تعریف علم فقه	۱۰
.....	۳. ارکان علم فقه	۱۱
.....	۳-۱. موضوع	۱۱
.....	۳-۲. مبادی	۱۲
.....	۳-۳. مسائل	۱۲
.....	۴. منابع فقه	۱۳
.....	۴-۱. قرآن	۱۳
.....	۴-۲. سنت	۱۴
.....	۴-۳. اجماع	۱۴
.....	۴-۴. عقل	۱۵
.....	۵. رابطه فقه و اصول فقه	۱۶
.....	۶. اهمیت تفقه در دین	۱۶
.....	۷. تاریخ فقه شیعه	۱۷
.....	۷-۱. عصر تشریع	۱۷
.....	۷-۲. عصر تبویب و اجتهاد	۱۹
.....	۷-۳. عصر اعتلا و پایداری	۲۱
.....	۷-۴. عصر رکود (انشعاب فقه و پیدایش اخباری‌گری)	۲۳
.....	۷-۵. دوره رشد و تکامل	۲۵

۶-۷	دوره تدقیق و ژرف‌اندیشی	۲۶
۷-۷	دوره تلخیص	۲۶
۸-۷	دوره شکوفایی فقه	۲۷

فصل دوم: قواعد فقهی

۱	مقدمه	۳۳
۲	معنای لغوی قاعده	۳۴
۳	معنای اصطلاحی قاعده	۳۴
۴	معنای قاعده فقهی	۳۴
۵	تفاوت قاعده فقهی و اصولی	۳۵
۶	تفاوت قاعده و ضابط فقهی	۳۶
۷	تفاوت قاعده و نظریه فقهی	۳۷
۸	تفاوت قاعده و مسئله فقهی	۳۸
۹	تقسیم‌بندی قواعد فقهی	۳۸
۱۰	تاریخچه قواعد فقهی	۴۰
۱-۱۰	مرحله پیدایش	۴۰
۲-۱۰	مرحله گسترش تطبیق و کاربرد	۴۳
الف	توجه به روش اهل بیت (علیهم‌السلام)	۴۳
ب	قاعده‌شناسی	۴۴
ج	بررسی‌های فنی	۴۴
۳-۱۰	مرحله تدوین	۴۵
۴-۱۰	مرحله رویکرد اخباری‌گری	۴۶
۵-۱۰	مرحله پیچیدگی و پختگی	۴۷
۱۱	تاریخچه قواعد فقه نزد اهل سنت	۴۷
۱-۱۱	مرحله پیدایش قواعد فقه در اهل سنت	۴۸
۲-۱۱	مرحله تدوین	۴۸
۳-۱۱	مرحله قانونی شدن قواعد	۴۹

فصل سوم: فقه و علوم انسانی

۱	آثار فقه بر علوم انسانی	۵۳
۲	جایگاه فقه حکومتی در دین اسلام	۵۳
۳	فقه و مدیریت	۵۴

بخش دوم: قواعد فقهی و کاربردهای سازمانی آنها فصل اول: قاعده ضمان ید و کاربردهای سازمانی آن

۵۷	۱. تفاوت قاعده ضمان ید و قاعده ید
۵۸	۲. مدارک و مستندات قاعده
۵۹	بررسی سندی حدیث
۵۹	بررسی جبران ضعف سند به وسیله شهرت
۶۰	اشکال امام خمینی رحمته الله
۶۱	پاسخ اشکال امام خمینی رحمته الله
۶۲	مفاد حدیث «علی الید»
۶۲	مطلب اول: معنای «علی»
۶۴	مطلب دوم: متعلق «علی الید»
۶۵	۳. حقیقت ضمان
۶۵	۳-۱. تدارک و خسارت شینی مضمون
۶۵	۳-۲. تحقق معاوضه قهریه
۶۵	۳-۳. بودن مال در ذمه
۶۶	۳-۴. قرار گرفتن مال در عهده ضامن
۶۶	۳-۵. نظر امام خمینی رحمته الله
۶۶	۴. مفهوم ید
۶۷	۴-۱. ید مأذون و غیر مأذون
۶۷	۴-۲. ید غیر بالغ
۶۸	۴-۳. تعاقب ابدی
۷۱	۴-۴. دیدگاه امام خمینی در مورد ضمان طولی
۷۱	۵. مراد از مأخوذ
۷۱	۶. مقصود از آداء
۷۲	۷. جریان قاعده در منافع
۷۴	۸. شمول قاعده نسبت به انسان
۷۴	۹. جریان قاعده در مدیریت و سازمان

فصل دوم: قاعده قرعه و کاربردهای سازمانی آن

۸۱	۱. معنای لغوی قرعه
۸۱	۲. مدارک و مستندات قاعده
۸۱	۲-۱. قرآن کریم
۸۳	۲-۲. روایات
۸۳	الف) طایفه اول روایات
۸۵	ب) طایفه دوم روایات

۸۵	ج) طایفه سوم روایات
۸۷	تعبیر «کل امر مشکل ففیه القرعه» در روایات
۸۸	۲-۳. اجماع
۸۸	۲-۴. بنای عقلا
۸۹	۲-۵. عقل
۹۰	۳. مصادیق موارد تمسک به قاعده قرعه
۹۱	۴. جریان قرعه در تمامی شبهات
۹۲	۴-۱. دیدگاه محقق مراغی
۹۳	۴-۲. دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله
۹۵	اشکالات
۹۶	۵. قاعده قرعه اصل است یا اماره
۱۰۲	۶. کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان

فصل سوم: قاعده لا ضرر و کاربردهای سازمانی آن

۱۰۵	۱. مستندات قاعده
۱۰۶	۱-۱. کتاب
۱۰۷	۱-۲. روایات
۱۰۹	۱-۳. اجماع
۱۰۹	۱-۴. عقل و بنای عقلا
۱۱۰	۲. معنای ضرر و ضرار
۱۱۲	۳. معنای «لا» در قاعده لا ضرر
۱۱۳	۳-۱. مفاد حدیث لا ضرر
۱۲۰	تفاوت نظریه شریعت اصفهانی و امام خمینی
۱۲۱	نقد و تحلیل
۱۲۳	۴. تنبیهات قاعده
۱۲۳	۴-۱. تقدیم قاعده لا ضرر بر ادله احکام اولیه
۱۲۶	۴-۲. آیا از جریان قاعده لا ضرر تخصیص اکثر لازم نمی آید؟
۱۲۶	۴-۳. آیا مراد از ضرر، ضرر نوعی است یا شخصی؟
۱۲۷	۴-۴. تعارض قاعده لا ضرر با قاعده تسلیط
۱۲۹	۴-۵. آیا قاعده لا ضرر احکام عدمی را نیز شامل می شود؟
۱۳۰	۴-۶. آیا برای دفع ضرر از خود، اضرار به غیر جایز است؟
۱۳۱	۵. گستره قاعده
۱۳۲	۶. کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان

فصل چهارم: قاعده اتلاف و کاربردهای سازمانی آن

۱۳۵	۱. مدارک قاعده
۱۳۵	۱-۱. کتاب
۱۳۶	۱-۲. روایات
۱۳۷	۱-۳. اجماع
۱۳۸	۱-۴. بنای عقلا
۱۳۸	۲. مفهوم قاعده اتلاف
۱۴۰	۳. موارد تطبیق قاعده اتلاف
۱۴۰	۳-۱. مباشرت و تسبیب
۱۴۱	مدارک ضمانت مباشر و تسبیب
۱۴۲	اجتماع سبب و مباشر
۱۴۵	۳-۲. فروع قاعده اتلاف
۱۴۹	۳-۳. کاربردهای قاعده اتلاف در مدیریت و سازمان

فصل پنجم: قاعده اهم و مهم و کاربردهای سازمانی آن

۱۵۲	۱. مفهوم شناسی
۱۵۳	۲. مدارک قاعده
۱۵۳	۲-۱. عقل
۱۵۴	۲-۲. سیره و بنای عقلا
۱۵۵	۲-۳. آیات قرآن
۱۶۱	۲-۴. روایات
۱۶۲	۳. قواعد ناظر بر قاعده «تقدم اهم بر مهم»
۱۶۳	۴. احتمال عقلایی در اهم و مهم
۱۶۳	۵. قبول ولایت حاکم جائز
۱۶۴	۵-۱. دیدگاه شیخ انصاری
۱۶۵	۵-۲. دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه
۱۶۴	۶. راه‌های شناخت و تشخیص اهم از مهم
۱۶۷	۶-۱. ضابطه اول
۱۶۸	۶-۲. ضابطه دوم
۱۶۸	۶-۳. ضابطه سوم
۱۷۱	۶-۴. ضابطه چهارم
۱۷۱	۶-۵. ضابطه پنجم
۱۷۱	معیارهای ده‌گانه مرحوم مظفر
۱۷۲	۷. کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان

فصل ششم: قاعده حرمت اعانه بر اثم و کاربردهای سازمانی آن

۱۷۵	۱. مدارک و مستندات قاعده.....
۱۷۵	۱-۱. کتاب.....
۱۷۵	۲-۱. روایات.....
۱۷۶	۳-۱. حکم عقل.....
۱۷۷	۴-۱. اجماع.....
۱۷۷	۲. معنای لغوی و فقهی معاونت.....
۱۷۸	۳. تعاون یا معاونت.....
۱۷۹	۴. معنای لغوی و اصطلاحی اثم.....
۱۷۹	۵. معنای لغوی و اصطلاحی عدوان.....
۱۸۰	۶. حرمت یا کراهت.....
۱۸۱	۷. تعریف معاونت در جرم در حقوق اسلامی.....
۱۸۱	۸. مفهوم معاونت در حقوق جزا.....
۱۸۲	۹. شرایط تحقق معاونت در جرم.....
۱۸۳	۱۰. مصادیق معاونت در جرم.....
۱۸۳	۱-۱۰. تحریک.....
۱۸۴	۲-۱۰. ترغیب.....
۱۸۴	۳-۱۰. تهدید.....
۱۸۴	۱۱. معاونت در جرم از طریق ساختن وسایل.....
۱۸۴	۱۲. معاونت در ارائه طریق ارتکاب جرم.....
۱۸۵	۱۳. وجوه افتراق و اشتراک معاونت و تسبیب در جرم.....
۱۸۵	۱-۱۳. معنای لغوی و اصطلاحی تسبیب.....
۱۸۵	۲-۱۳. تعریف سبب در فقه.....
۱۸۵	۳-۱۳. وجوه اشتراک تسبیب و معاونت.....
۱۸۶	۱۴. تحقق معاونت در جرم.....
۱۸۶	۱۵. جمع مباشر و سبب.....
۱۸۶	کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان.....

فصل هفتم: قاعده نفی عسر و حرج و کاربردهای سازمانی آن

۱۸۹	۱. مفهوم عسر و حرج.....
۱۹۰	۲. رابطه عسر و حرج.....
۱۹۱	۳. مدارک و مستندات قاعده.....
۱۹۱	۱-۳. کتاب.....
۱۹۱	۲-۳. سنت.....
۱۹۳	۳-۳. بنای عقلا.....

۱۹۴	۳-۴. اجماع
۱۹۵	۴. دلالت قاعده
۱۹۵	۵. قلمرو قاعده نفی عسر و حرج
۱۹۵	۵-۱. حرج شخصی یا نوعی
۱۹۶	۵-۲. حرج واقعی یا معلوم
۱۹۷	۵-۳. شمول قاعده نسبت به امور عدمی
۱۹۸	۵-۴. مفاد قاعده، رخصت است یا عزیمت؟
۲۰۰	۶. تعارض قاعده نفی عسر و حرج با قاعده لا ضرر
۲۰۱	۷. تنبیهات قاعده
۲۰۱	۷-۱. تخصیص اکثر
۲۰۲	۷-۲. حکومت بر ادله اولیه
۲۰۲	۷-۳. تخصیص قاعده سلطنت
۲۰۴	۸. کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان

فصل هشتم: قاعده احسان و کاربردهای سازمانی آن

۲۰۷	۱. مفاد قاعده
۲۰۸	۲. مدارک و مستندات
۲۰۸	۲-۱. کتاب
۲۱۰	اعتقاد به احسان یا واقعیت
۲۱۳	۲-۲. روایات
۲۱۳	۲-۳. حکم عقل
۲۱۴	۲-۴. اجماع
۲۱۴	۳. مقدار دلالت قاعده
۲۱۵	۴. مقدار دفع مفسده
۲۱۶	۵. نسبت قاعده با ادله مجهول المال و لقطه
۲۱۸	۶. قلمرو قاعده
۲۱۹	۷. کاربردهای قاعده در مدیریت و سازمان
۲۲۱	منابع و مآخذ

نماینه‌ها

۲۲۵	نماینه آیات
۲۲۷	نماینه روایات
۲۳۰	نماینه اشخاص
۲۳۳	نماینه اصطلاحات

مقدمه

دین مبین اسلام جهان شمول و همگانی است و در قرآن کریم هدف از رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، هدایت تمام جهانیان بیان شده است. جهانی بودن دین اسلام یکی از ویژگی‌های اصلی این آیین الهی است؛ زیرا اسلام به گروه خاصی از انسان‌ها و منطقه جغرافیایی ویژه‌ای محدود نیست و بسیاری از خطابات قرآنی، معطوف به عموم انسان‌هاست و به گروه خاصی محدود نمی‌باشد و بر همین اساس، پیامبر اکرم ﷺ به پادشاهان کشورهایمانند روم، ایران، مصر و... نامه نوشتند و همه را به دین اسلام دعوت کرده، از پیامدهای کفر بر حذر داشتند. اگر دین اسلام جهانی نبود، چنین دعوت عمومی برای دیگر اقوام و امت‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی انجام نمی‌شد و پیامبر اکرم ﷺ چنین نامه‌هایی نمی‌نگاشتند.

خداوند متعال در آیات متعدد قرآن کریم، دین مبین اسلام و کتاب آسمانی آن یعنی قرآن کریم را یک دین جهانی و فراگیر و کتاب آسمانی برای همه انسان‌ها معرفی می‌نماید. آیات متعددی از قرآن کریم در این مورد وجود دارد:

در بخشی از آیات، خداوند متعال، قرآن کریم را کتابی برای هدایت عموم مردم در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها معرفی می‌کند. خداوند متعال در آیه ۱۸۵ سوره بقره، قرآن کریم را وسیله‌ای برای راهنمایی عموم مردم معرفی و می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»؛ ماه رمضان است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه‌ها و آیات روشنی از ارشاد (به حق و حقیقت) باشد و جدایی افکند.

سپس در آیه ۲۷ سوره تکویر، قرآن کریم را وسیله‌ای برای راهنمایی جهانیان دانسته و می‌فرماید: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛ این قرآن جز پند و اندرز جهانیان نیست. در گروهی از آیات،

خداوند متعال، همه انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌دهد و از تعبیرهایی مانند «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا بَنی آدَمَ» استفاده می‌کند مانند آیات:

«یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِنَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره، ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است، بخورید و پا به پای شیطان راه نیفتید. بی‌گمان او دشمن آشکار شماست؛

«یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء، ۱۷۴)؛ ای مردم! از سوی پروردگارتان حجتی به نزدتان آمده است و به سويتان نور آشکاری فرستاده‌ایم؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّا يَضِلُّ عَلَيْهِ» و ما أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ» (یونس، ۱۰۸) بگو: ای مردمان از سوی پروردگارتان، حق به سويتان آمده است. هر کس که راهیاب گردد، بی‌گمان به سود خود راهیاب می‌شود و هر کس که گمراه شود، به زیان خود گمراه می‌شود و من وکیل شما نیستم؛

در بخش دیگری از قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که به صراحت گویای عمومیت رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ مانند آیات: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا، ۲۸)؛ ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌دهنده و بیم‌دهنده باشی، ولیکن اکثر مردم نمی‌دانند؛

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، ۱)؛ والا مقام و مبارک، کسی است که فرقان (قرآن) را بر بنده خود نازل کرده است تا اینکه جهانیان را بیم دهد؛ «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَإِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بِرُبِّكُمْ شَرِيفٌ» (انعام، ۱۹)؛ بگو: بالاترین گواهی، گواهی کیست بگو: خدا میان من و شما گواه است! این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد بدان بیم دهم. آیا به راستی شما گواهی می‌دهید که خدایان دیگری با خداوند؟! بگو: من گواهی نمی‌دهم. بگو: او خدای یگانه یکتاست و من از آنچه که بدان شرک می‌ورزید، بیزارم.

خداوند متعال در بخش دیگری از آیات قرآن کریم، اهل کتاب را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ» (آل عمران، ۷۰)؛ ای اهل کتاب! چرا آیه‌های خداوند را نادیده می‌گیرید و تکذیب می‌کنید، و حال آنکه (صحت آنها و نشانه‌های نبوت محمد را در کتاب‌های خود) می‌بینید؟؛

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران، ۷۱)؛ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می آمیزید و کتمان می کنید و حال آنکه شما می دانید؟
 «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (مانده، ۱۵)؛ ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است. بسیاری از چیزهایی را برایتان روشن می سازد که از کتاب (تورات و انجیل) پنهان نموده اید و از بسیاری از چیزها صرف نظر می نماید. از سوی خدا نوری و کتاب روشنگری به پیش شما آمده است؛

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مانده، ۱۹)؛ ای اهل کتاب! پیغمبر ما به سوی شما آمده است و به دنبال انقطاع مدت زمانی که میان پیغمبران بوده است، (حقایق را دیگر باره) بیان می کند تا اینکه نگویید مژده دهنده و بیم دهنده ای (از پیامبران) به سوی ما نیامده است؛ همانا مژده دهنده و بیم دهنده ای به سوی شما آمده است و خداوند بر همه چیز تواناست.

در بخش دیگری از قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که بر حقانیت دین اسلام و اظهار آن بر سایر ادیان دلالت دارند: مانند آیات: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يُبْئِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲)؛ آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش گردانند؛ ولی خداوند جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال رساند؛ هرچند که کافران دوست نداشته باشند؛

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح، ۲۸)؛ خداست که پیغمبر خود را همراه با رهنمون و آیین راستین روانه کرده است تا آن را بر همه آیین ها پیروز گرداند. کافی است که خدا گواه باشد؛

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف، ۹)؛ خداست که پیامبر خود را همراه با هدایت و رهنمود (آسمانی) و آیین راستین (اسلام) فرستاده است تا این آیین را بر همه آیین های دیگر چیره گرداند، هرچند مشرکان دوست نداشته باشند.

بنابراین از سویی، دین مبین اسلام، جهانی و همگانی است و به گروه و منطقه جغرافیایی ویژه ای محدود نیست و از سوی دیگر در زمان حاضر و عصر جدید، مسائل نو و به اصطلاح مستحدثه ای مطرح شده است که در گذشته وجود نداشته، مسائل نو و جدیدی که نیاز به پاسخ روشن دارد؛ به همین دلیل مسائل نو و مستحدثه در میان تمام فقهای اسلام مطرح شده است.

حال پرسش اساسی این است که اگر این مسائل در گذشته وجود نداشته و مطرح نبوده، چگونه می‌توان احکام آن را از کتاب و سنت دریافت؟ در پاسخ، باید به یک اصل کلی توجه شود و آن اینکه در منابع اسلامی - کتاب و سنت - قواعد و اصول کلی وجود دارد که از آنها می‌توان حکم هر مسئله مستحده‌ای را پیدا کرد.

مثلاً وقتی که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ ای کسانی که ایمان به خدا دارید، نسبت به قراردادهای خود وفادار باشید، این حکم، تمام قراردادهایی را که در گذشته و حال بوده یا خواهد بود را شامل می‌شود. تمام قراردادهایی که شرایط کلی معاملات را از قبیل عقل و اختیار و علم به موضوع و معین بودن تمام جهات قرارداد و موجب ضرر و زیان و فساد نبودن در آن جمع باشد، مشمول این اصل کلی است.

قاعده‌های احسان، لا ضرر، اتلاف، علی‌البد، اهم و مهم، ایتمان و مانند اینها، راه‌حل‌هایی برای تمام مسائل جدید، مستحده و نوظهور هستند که در زمان گذشته وجود نداشته‌اند و حکم آنها به صورت آشکارا، بیان نشده است. وجود این اصول کلی و قواعد فراگیر، یکی از نشانه‌های جاودانگی و جهان‌شمول بودن اسلام است که می‌تواند در هر عصر و زمان و در هر منطقه و مکان، جوابگوی تمام نیازهای فقهی مردم جهان باشد.

از سوی دیگر وظیفه فقه، بیان احکام مکلفان است و فقها خود را موظف به انجام این تکلیف مهم می‌دانند تا به نیازهای آنها پاسخ دهند؛ البته مکلفان تنها اشخاص حقیقی نیستند؛ بلکه اشخاص حقوقی نیز به نوعی تکلیف دارند و همان‌طور که اشخاص حقیقی نیاز به حکم شرعی دارند، اشخاص حقوقی هم در تعامل با یکدیگر، در تعامل با اشخاص حقیقی و در موارد دیگر نیازمند حکم شرعی هستند تا بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند.

پس فقها برای پاسخ به نیاز اشخاص حقوقی نیز باید قواعد، اصول، قوانین و مقرراتی را تدوین کنند تا این اشخاص نیز بتوانند بر اساس آنها نیازهای خود را پاسخ دهند. افزون بر اینکه با توجه به پیدایش سازمان‌های گوناگون و گسترش روز افزون آنها که از ویژگی‌های بارز تمدن بشری است، فقها باید احکام سازمان و مدیریت را نیز به‌عنوان اشخاص حقیقی از منابع فقه استخراج و ارائه کنند.

فقها برای پاسخ به نیاز مکلفان گاه خود حکم را استنباط می‌کنند و گاه قاعده‌ای کلی را از منابع استخراج و برای تطبیق موضوعات جزئی به دست مکلفان می‌دهند تا حکم موضوعات گوناگون از آن قاعده به دست آید. روش دوم، همان تبیین قواعد فقهی است؛ زیرا قاعده فقهی،

حکمی کلی است که با ادله شرعی اثبات شده و با تطبیق بر جزئیات خود حکم شرعی آنها را آشکار می‌نماید. قواعد فقهی همانند اصول فقه، نقش برجسته‌ای در استنباط فروع فقهی دارند و مسائل فقهی متعددی بر یک قاعده فقهی متفرع می‌شوند. این واقعیت موجب شده تا قواعد فقهی نیز مانند علم اصول مورد توجه قرار گیرند.

با توجه به تغییر زمان و به وجود آمدن موضوعات جدید، بهترین روش برای پاسخ به این مسائل و موضوعات، تأسیس کلیات، قواعد و اصول کلی است که به تناسب زمان و مکان، بتواند پاسخ‌گوی مسائل مستحدثه و حوادث جدید باشد و احکام آنها را استنباط و به مکلفین ارائه دهد. بسیاری از مسائل و موضوعات مدیریت و سازمان نیز مسائل مستحدثه و موضوعات جدید هستند.

با توجه به این مسئله و نیز مزایای قواعد فقهی مانند دستیابی سریع و آسان مکلف به حکم شرعی، پاسخ‌گویی به مسائل فقهی متعدد با تأسیس یک قاعده و... می‌توان گفت بهترین روش برای دستیابی سریع، به موقع و مناسب به حکم شرعی در حوزه مدیریت و سازمان، استفاده از قواعد فقهی در این حوزه است که می‌توان از این قواعد با عنوان «قواعد فقه اداری» نام برد؛ بنابراین «قواعد فقه اداری» آن دسته از قواعد فقهی هستند که در مباحث فقهی مدیریت و سازمان یعنی فقه اداره، به کار می‌آیند. این مسئله مهم به دلایل مختلف مورد غفلت قرار گرفته و مسائل مختلفی در حوزه سازمان و مدیریت بی‌جواب مانده است.

با توجه به پیدایش سازمان‌های گوناگون و گسترش روزافزون آنها و تأثیر مستقیم زندگی سازمانی بر شخصیت و سرنوشت افراد جامعه، فقها باید احکام سازمان و مدیریت را نیز به عنوان اشخاص حقوقی از منابع فقه استخراج کرده و ارائه دهند تا اعضای سازمان در جامعه اسلامی، تکلیف شرعی خود را در زندگی کاری تشخیص داده و احکام و موازین اسلامی در روابط و مناسبات سازمانی را مراعات کنند؛ افزون بر اینکه در سیستم‌های اداری جوامع اسلامی به‌ویژه سیستم اداری جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌سازی برای اجرای احکام شرعی در نهادها، سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی یک مطالبه درستی است که باید مبانی نظری آن به درستی تبیین، ارائه و مقدمات آن مهیا شود.

بنابراین، هدف اصلی این کتاب، بررسی تعامل میان مسائل مدیریت و سازمان با قواعد فقهی است و تلاش می‌کند آثار و کاربردهای قواعد فقهی در مسائل مختلف مدیریت و سازمان را شناسایی و ارائه نماید. در این کتاب، ابتدا تلاش می‌شود تا نقش و کاربرد قواعد فقهی در

حوزه مسائل مدیریت و سازمان بررسی و سپس مشخص شود که کدام یک از قواعد فقهی نقش و کاربرد بیشتری در مسائل مدیریت و سازمان دارند و تأثیر و کاربرد قواعد فقهی در چه بخشی از مسائل سازمان بیشتر و ملموس تر است.

با توجه به جامعیت و پویایی فقه شیعه می توان گفت که این منبع غنی و سرشار پاسخگوی بسیاری از مسائل و مشکلات مدیریت و سازمان است. بسیاری از قواعد فقهی در ابواب مختلف فقه در حوزه مسائل مدیریت و سازمان نیز کاربرد دارند و شاید بتوان قواعد جدیدی نیز از منابع استخراج و یا اصطیاد کرد.

البته کشف قاعده جدید یک امر لازم و ضروری نیست؛ بلکه تسری قواعد مورد استفاده در دیگر عرصه های اقتصادی، قضایی، سیاسی و... به عرصه مدیریت و سازمان نیز مغتنم است و می تواند بسیاری از مسائل این حوزه را پوشش دهد و موجب شود که موضوعات اداری در اسرع وقت حکم شرعی خود را پیدا کنند.